

(237)

هو الابهی

ای ورقه مهتره بنسائم محبت محبوب عالمیان جناب ابن اصدق علیه بهاء الله الابهی حاضر و بجهت عباد الرحمن و اماء الله هر یک مکتوب مخصوصی خواهش دارند و من نیز نهایت روح و ریحان را بذکر موقنین بالله میدانم و چون بذکرشان مشغول شوم ظلمت چاه چون اوج ماه گردد و مشقت کبری راحت جان و وجدان شود چون نامشان را بزبان رانم چون بریط و عود و نوای مزامیر آل داود مطرب و منعش یابم و چون از خلق و خویشان دم زخم مشام را معطر بینم و چون بیاد و ذکرشان مشغول شوم گشایش وسعت گلشن یابم و وسعت گلزار و چمن بینم و لکن مشغولیت بدرجهئی موجود که امور چون دریا موج زند با وجود این بذکر عباد الله و اماء الرحمن مشغول شدیم و از صبح تا حال که شامست مینویسیم (ع ع)

در روضه مطهره بالنیابه از آن امة الله با احباب زیارت شد و در خارج چای صرف گشت (ع ع)